مقدمه

در صفحه‌ی هفتاد بودیم. بر اساس چاپ همراه با تعلیقه‌ی مرحوم آسید هاشم، سطر دوم. حضرت علیه السلام فرمودند:

> «محرم علی بوارع ثاقبات الفطن تحديده وعلی عوامق ناقبات الفكر تكييفه ، وعلی غوائص سابحات الفطر تصويرة»[1].

سه جمله است که نظیر هم هستند. اول کلمات آن را عرض می‌کنم. بعد هم ترکیب جمله را عرض می‌کنم.

«محرم»؛ حرام است، «علی بوارع»؛ جمع بارع، «ثاقبات»؛ثاقب به‌معنای نافذ است، «فطن»، هم جمع فطنت و فهم است. «تحدید»، تعریف و تعیین و تبیین است. این کلی ِجمله است.

«محرم»، در جاهای مختلف به کار می‌رود. اصل «محرم» یعنی محروم شده. محروم شدن، گاهی به‌معنای حرمه است؛ احترام هم یک نوع محرومیت است اما باعث حرمت نگه‌داشتن برای او است. «محرم» یعنی نمی‌تواند به آن برسد. از آن محروم است. محروم تشریعی، یعنی باید با اختیار خودش به دنبالش نرود. یک «محرم» هم محرم تکوینی است. یعنی نمی‌تواند، برسد. مثلاً ًبر عاق شده توسط والدین، حرام است که بوی بهشت را استشمام کند. حرام است، نه یعنی باید دماغش را بگیرد. احدی از این تعبیر چنین چیزی را نمی‌فهمد. تعبیر «استشمام بوی بهشت بر عاق شده‌ی والدین حرام است» می‌باشد، نه یعنی باید بینی خود را بگیرد. اینجا تشریعی نیست. یعنی نمی‌رسد. محروم است.

---

[1]. شیخ صدوق، التّوحيد،ج ۱، ص ۷۰.

بازبینی #2
ایجاد شده 23 ژوئیه 2024 16:47:09 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 ژوئیه 2024 16:52:47 توسط ... .